

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۵ هـ.ق - میقات محرم ۲)

خطبه‌ی شب اول

۲۷ تیر ۱۴۰۲

حمد و ستایش خداوند عزوجل و بزرگ و ارجمند را سزااست، خداوندی که نوشت نام‌های مکنون و عظمتش را بر سراپرده‌ی بزرگی و کرامت.

قدرتش بر همه چیز احاطه دارد، بر بادهای آنچه را می‌پراکنند، بر آسمان بر آنکه سایه افکند و زمین آنچه در خود نهان کند و دریاها و موج‌هایی که در خروشانند، بر شیاطین هر که را گمراه کنند و بر عابدان و ساجدان و فرشتگان مقرب و روحانیان و آنان که در شب و روز او را تسبیح گویند که اوست کریم‌ترین کریمان و مهربان‌ترین مهربانان.

سلام و برکات الهی همواره بر کسانی مقدر شده که برکت وجودی را درک کرده‌اند و توانسته‌اند تا راهی به انوار الهیهی قرآن کریم باز کنند و همواره از آن راه تردد کنند و راه‌های دیگر را مسدود بدانند و هرگز آن را امتحان نکنند.

خواهران و برادران، همان‌گونه که در خطابه‌ی افتتاحیه گفته شد، مزین می‌کنیم ده شب محرم را به خطابه‌هایی که آگاهی و سعادت و رستگاری در آن‌هاست. قبل از خواندن خطبه‌ی امشب برای یادآوری و درک مفاهیم آن توضیح مختصری داده می‌شود.

قوم بنی اسرائیل بعد از معجزات الهی توسط حضرت موسی (ع) از اسارت فرعونیان نجات یافته و از رود نیل گذشتند و به کوه طور واقع در صحرای سینا رسیدند و خداوند حضرت موسی (س) را برای گرفتن تورات به کوه طور فراخواند و امتش در پای کوه طور منتظر شدند و خداوند اراده فرمود تا ده شب به آن اضافه نماید که این ده شب، ده شب معلومات آن‌ها بود آنانی که ایمانشان سست بود به رهبری شخصی به نام سامری با طلاهایی که به همراه داشتند گوساله‌ای ساختند و شروع به پرستش آن

بت کردند و این ده شب امتحان برای تمام امت‌ها رقم زده شده است. حال خطبه‌ی امشب را برایتان قرائت می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب اول

پروردگار کریم در امتحان از قوم بنی اسرائیل ده شب به میقات اضافه فرمود تا پاک را از ناپاک جدا کند و چهره‌ی کسانی که به دنبال هوا و هوسِ نفس اماره به دنبال پیامبر آمده بودند از پشت نقاب مکرشان بیرون آید.

محرم هم یک ماه است، امام حسین در ماه ذی‌الحجه در مکه‌ی مکرمه بود در میقات عشق بود منتظر گرفتن تورات، ولی تنها نبود با فرزندان و خویشان و اصحاب و انصار همه با هم به دور کعبه طواف می‌کردند و همه با هم حرکت کردند و پروردگار کریم ده روز به میقاتشان افزود تا حق را از باطل جدا کند و چهره‌های نفاق آشکار شود و مسلمانان دروغین از پشت پرده‌ی حجاب اسلام خارج شوند و این مهم جز با جان‌فشانی مخلصین راه خدا میسر نشد.

آنان که خون پاکشان معرف شخصیتشان شد و چهره‌شان در تاریخ معرف ایمانشان به پروردگار کریم و پیامبر و امامشان باقی ماند و ما سال‌های زیادی است که دهه‌ی محرم را با برپا ساختن خیمه‌های عزاداری محترم می‌شماریم و برای کسانی که در ایام معلومات سرافراز شدند سینه می‌زنیم، نامشان را با افتخار می‌بریم و از صدا کردنشان روحمان در آرامش قرار می‌گیرد و بعد از تمام شدن دهه‌ی اول محرم دیگر شوری برای عزاداری در ما باقی نمی‌ماند، اگر مجلسی باشد مانند دهه‌ی اول نیست. همه‌ی مردم مانند کسی که وظیفه‌ای داشته و اکنون بعد از عاشورا دیگر وظیفه‌ای ندارد دنبال کار روزمره می‌روند و دیگر برای شب‌های محرم مشتاق نیستند.

آیا از خود سؤال نموده‌اند چرا؟ و آیا به دنبال چرایی‌اش گشته‌اند؟ یا وجود ناشناخته‌ی خود را سرگردان در توجیحات رها کرده‌اند و باز منتظر سال آینده مانده‌اند؟

پروردگار کریم در کتاب آسمانی فرموده‌اند: آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده است که دلهایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است خاشع شود؟ همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی برآمد دلهایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند، پس پاسخ کتاب آسمانی چیست؟ آیا موقع آن نرسیده تا کمی به کارهایمان اندیشه کنیم و سؤال‌های مطرح شده‌ی وجودمان را پاسخ دهیم؟

همان‌گونه که در آغاز دهه در خطبه‌ی افتتاحیه خوانده شد خروش محرم در مهدیه باید خروشی باشد خالی از کذب مکذبین، پس کسانی عزاداری بر سالار شهیدان را بر خود واجب خواهند نمود که در مرحله‌ی اول هدف را بشناسند و در آن هدف ایمانشان را بسنجند و قبل از تمام شدن ایام معلومات، وجودشان برای خودشان معلوم و آشکار شود.

خطبه‌ی امشب را مزین می‌کنیم به فرمایشات مادر گرامی بانو و سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که بسیار زیبا فرموده‌اند:

در روزهای زندگی دنیایی هر روز شاهد وحی بودم و هر شب شاهد اشک‌های از جگر جداشده‌ی پیامبر (ص). روزها با تمنا در آغوشش می‌نشستم تا نور وحی را در قلبم احساس کنم و شب‌ها با اشک پدر گرامی‌ام اشک ریختم و دست‌های نازنین رسول خدا برای پاک کردن اشکم بالا می‌رفت و وقتی به صورتم فرود می‌آمد می‌فرمود:

دخترم ای کوثر بی‌همتای الهی آیا به دهه‌ی معلومات که همه‌ی عالم در آن ده روز در امتحان در می‌آیند و انسان‌ها در آن سنجیده می‌شوند اندیشه کرده‌ای؟

حضرت زهرا (س) می‌فرمودند: تمام لحظه‌های زندگی‌ام به آن ده روز اندیشه کردم که برای من چگونه آغاز خواهد شد و چگونه پایان خواهد یافت؛ و پدرم رسول خدا می‌فرمودند: همواره آماده‌ی آن ندایی باش که تو را به پایین کوه طور می‌خواند و فرمان می‌دهد که منتظر پیامبر بمان.

پس با فرمایشات وجود مقدس سرور عالمیان متوجه شدیم که ما از آغاز کودکی و نوجوانی و جوانی و میان‌سالی و کهن‌سالی در پای کوه طور نشسته‌ایم و ده روز عمرمان به پایان نرسیده مولا و سرورمان امام عصر ما را به تقوا و اطاعت پروردگار سفارش فرموده و آنگاه برای برپایی دولت حقه به طور عشق صعود فرموده و همان‌گونه که پروردگار عالم امت حضرت موسی (ع) را به او نشان داد مولایمان هر لحظه ناظر ایمانمان هستند.

پس در اولین شب عزاداری بر سالار شهیدان درحالی که دست‌های بیعتمان با حقیقت را بالا می‌بریم محکم بر سینه می‌کوبیم تا با ذکر حسین (ع) اعلام کنیم: حقیقت‌طلبان کوی شما منتظر شما هستند تا بار دیگر حقیقت را جاودانه کنند.

اللهم عجل لولیک الفرج

پس چه سعادتمند هستیم که حبل‌المتینی را می‌شناسیم که با چنگ زدن به ریسمانش از ظلمت جهل نجات یابیم و جزو امتی نباشیم که پیامبر گرامی حضرت محمد (ص) برای سرور عالمیان حضرت زهرا (س) پیش‌بینی فرمودند که:

چقدر سخت خواهد بود بعد از من برای شما که با چشمه‌ای خود گوساله‌ای ساخته شده به دست امت مرا خواهید دید و بر این طغیان چون یاران با وفای حضرت موسی (ع) صبر خواهید کرد و آنان مستانه به دور این ساخته‌ی دست خویش خواهند گشت تا آنجا که فرزندان من را به قتل خواهند رساند و کفر و طغیان زمین را فرا خواهد گرفت، گوساله هر روز با رنگ و تزئینی زیباتر مردم را به خود فرا خواهد خواند و مستی و فراموشی و تاریکی دین من را فرا خواهد گرفت.

نام من در مستی آنان که به دور گوساله می‌چرخند فراموش خواهد شد تا آنکه فرزندم حضرت مهدی (عج) از کوه لطف و احسان الهی پائین بیاید و آن‌چنان این گوساله را نابود کند که هیچ کدام از ادیان الهی این نابودی را در کفر تجربه نکرده باشند آن زمان است که قلب آنان که از کفر رنج کشیده به انوار الهی مرهم شفا

خواهد یافت و شادی آن لحظه برای آفرینش مانند آمدن قیامت ثابت خواهد ماند.
پس با تمام وجود فریاد کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com